

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی و قانونی خود

دکتر سید محمدصادق مهدوی^۱، فاطمه میرزاپور^۲

چکیده

در این پژوهش جهت بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان پس از مطالعه نظر قرآن، نظریات جامعه شناسان و حقوقدانان در باب آگاهی و عوامل مؤثر بر آن، از روش پیمایش استفاده شد و از بین ۶۵۳۴۸۴ نفر زن ساکن شهرستان اهواز تعداد ۴۰۰ نفر از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب گردید و میزان آگاهی و عوامل مؤثر بر آن از طریق پرسشنامه (که ابزار اصلی روش پیمایش است)، مورد سنجش قرار گرفت. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل تحصیلات پاسخگو، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، ارتباط با گروه همسالان، استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اشتغال پاسخگو، وضعیت اجتماعی - فرهنگی، رشته تحصیلی، منطقه محل سکونت، وضعیت مسکن، حس فرودستی و میزان آگاهی رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: آگاهی، حقوق، زن، اجتماعی، قانون

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۵

^۱ استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده عهده دار مکاتبات) d_Mahdavi@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مطالعات زنان واحد علوم و تحقیقات Fatemeh.mirzapoor@gmail.com

مقدمه

شکی نیست که زنان همچون مردان از حقوق اجتماعی و مدنی برخوردارند و جنسیت نمی تواند دستیابی آنها به حقوق خویش را مسدود و محدود سازد. از نظر قواعد کلی زن و مرد دارای حقوق مساوی هستند. بر طبق اصل بیستم قانون اساسی «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند، و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و نیز به موجب اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه های مساعد جهت رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی وی را ایجاد کند. در این میان بررسی آگاهی زنان از جوانب مختلف می تواند راهگشایی جهت احیای حقوق و رشد شخصیت ایشان باشد.

بیان مساله

یکی از مشکلات زنان در جامعه ما این است که از حقوق اجتماعی و قانونی خود آگاهی ندارند و یا آگاهی آنها در سطح ناچیز است. در بررسی علل ستم بر زنان نیز تنها نمی توان به این امر بسنده نمود که حقوقشان در مقایسه با مردان کمتر است بلکه مسئله عدم آگاهی از این حقوق بسیار جدی و حائز اهمیت است. عدم آگاهی افراد جامعه از حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از عوامل عقب ماندگی جامعه و زمینه ساز استبداد و سرکوب یک ملت و در نتیجه گرفتار شدن افراد جامعه در چرخه فقر، جهل و خشونت است. یکی از عوامل قانون شکنی، عدم اطلاع و آگاهی افراد از حقوق و مقررات است. برای اینکه قانون در جامعه حاکم باشد باید اعضای جامعه نسبت به آن شناخت و آگاهی کافی داشته باشند. خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و اساس و بنیان جامعه است. نقش گسترده خانواده در زندگی فرد از یک طرف و نقش تعیین کننده آن در نظام اجتماع از طرف دیگر، نشانگر اهمیت این نهاد است. از این رو در روابط خانوادگی، آشنایی هر یک از زن و شوهر با حقوق و تکالیف خود از بروز اختلاف در درون خانواده جلوگیری می کند. هرگاه هر یک از زن و شوهر به هنگام بروز اختلاف نظر بدانند کجا حق با آنهاست و در چه مواردی حقی ندارند از لجاجت و پافشاری بر نظر نادرست خود خودداری می کنند. بی اطلاعی از قانون هنگام تنظیم روابط و نیز موقع مراجعه به محکمه، عامل مهمی در تعارض میان واقعیت و حقوق است. این امر باید با گسترش آموزش مفاهیم حقوقی،

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی..... ۳۱

تشکیل موسسه ای برای معاضدت حقوقی به افراد و غیره جبران شود. آموزش و معاضدت قضایی باید در مرحله اول شامل کسانی از جمله زنان شود که از این نظر بیشتر متضرر می شوند (عبدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۳).

اهمیت و ضرورت مساله

زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع نقش مهمی در جریان فرهنگ سازی و توسعه جوامع داشته و دارند. تحولات اخیر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، به خصوص بروز پدیده شهرنشینی که نه تنها بر عادات و شیوه های رفتاری، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس مردمان اثر گذاشته است. همچنین تحول در نظام خانواده در جهان صنعتی امروز و نقش عظیم رسانه ها در تغییرات فرهنگی جوامع، تلاش در جهت شناخت اهمیت نقش زنان در جامعه و احقاق حقوق حقه ایشان به عنوان یک انسان آزاد را الزامی کرده است. در صورتی که افراد از حقوق و تکالیف خود در روابط اجتماعی آگاهی داشته باشند، با تلاش برای حفظ حقوق خود، نسبت به رعایت حقوق دیگران و انجام تکالیفی که جامعه بر عهده آنها قرار داده، احساس مسئولیت می کنند و به این ترتیب جامعه مسئولیت پذیر می گردد و هر فرد در هر جا و هر مقام به ایفای مسئولیت خود می پردازد. از آنجا که در بستر نیمه سنتی کشور ما هنوز اکثر زنان محدود به محیط خانه ها بوده و در قالب اجتماعی عرض اندام نکرده اند، پس در ارتباط با معضلات حقوقی که به تبع شرکت در اجتماعات و یا در صورت بروز مشکلات مشخص امکان ظهور می یابد را ندارند و این عدم ارتباط با دنیای اجتماعی مانع بزرگی در کسب آگاهی از حقوقشان بوده است.

امروزه یکی از شاخص های مهم جهان برای سنجش دموکراسی و آزادی، مسئله برابری زنان و آگاهی آنها از حقوقشان است، در کشور ما نیز این مسئله اهمیت خاصی پیدا کرده و زنان روز به روز نسبت به حقوقشان حساسیت بیشتری پیدا می کنند و اینکه ما بدانیم در مرکز استانی چون اهواز زنان تا چه حد از این حقوق آگاهند، حائز اهمیت است.

اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق عبارتند از:

- سنجش میزان آگاهی زنان جامعه نمونه (به عنوان متغیر وابسته)
- شناخت عوامل مؤثر بر آن (به عنوان متغیر مستقل)
- بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر آگاهی (ترسیم دیاگرام علی)

مروری بر نظریه های مرتبط با موضوع تحقیق

معرفت و آگاهی از نظر آیات قرآن کریم:

آنچه بدیهی و غیرقابل تردید است اهمیت قرآن و دین اسلام به مسئله علم و آگاهی است. در بحث خلقت آدم اولین چیزی که بعد از خلقت انسان مورد توجه قرار می گیرد، علم انسان است. یعنی علم انسان به اسماء، یعنی علم انسان به اشیاء و پدیده ها، زیرا که ما هر شیء و پدیده ای را با یک نام می شناسیم. قرآن علم را به نوری تشبیه می کند که انسان باید در پرتو آن نور حرکت کند تا بتواند راه درست را طی کند و به اعمال شایسته پردازد. "

... و يجعل لكم نوراً تمشون به؛ سوره حدید- آیه ۲۸"

آگاهی از نظر حقوقدانان و قانون:

حقوق از علوم اجتماعی است، زیرا هدف آن جستجوی قواعدی است، که بر اشخاص، از این جهت که عضو جامعه اند، حکومت می کند. حقوق و جامعه شناسی با هم ارتباط نزدیک دارند، زیرا حقوق رشته ای از علوم اجتماعی است که اجتماع انسانها را به منظور کشف قواعدی که نظم و صلح را تامین می کند، مورد مطالعه قرار می دهد. از سوی دیگر، اجرای قواعد حقوقی مستلزم ایجاد یک سلسله وقایع اجتماعی است که به نوبه خود باید از طرف علمای جامعه شناسی بررسی شود. قانونگذار و دادرس و به طور کلی هر عالم حقوق، برای بدست آوردن قواعد حقوقی و تفسیر قوانین موجود باید به روش جامعه شناسی آگاه باشد و با استفاده از شعبه های گوناگون این علم، آن قواعد را متناسب با نیازمندی های اجتماع کند (کاتوزیان، ۱۳۵۵، صص ۵۹ - ۶۰).

برای یک حقوقدان آگاهی اعضای جامعه از قوانین و آداب و رسوم اهمیت دارد، اما حقوقدان به بررسی منشاء آگاهی نمی پردازد بلکه برای او آگاهی هر چه بیشتر از قوانین مهم است زیرا پایه و اساس نظم اجتماعی عمل به قوانین و آگاهی از آن می باشد.

آگاهی از نظر جامعه شناسان و روانشناسان :

شوتس^۱ می گوید: «آگاهی شناختی است که کردار را در زندگی روزمره هدایت می کند و زندگی روزمره خود را به عنوان واقعیتی به نمایش می گذارد که توسط آدمیان تعبیر و تفسیر می شود و از لحاظ ذهنی به منزله دنیائی به هم پیوسته و منسجم برایشان معنی دار است» (برگرولاکمن، ۱۳۷۶، ص ۳۳).

حوزه های شناخت: حوزه هائی که جامعه شناسی شناخت به آن می پردازد سه دسته اند:

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی.....۳۳

دسته اول: شناخت ذهن گرایانه؛ شناختی است که به دنبال عوامل منسوب به ذهن انسان بوده و اندیشه و فرهنگ را حاکم بر تاریخ می داند.

دسته دوم: شناخت عین گرایانه؛ شناختی است که در آن برای تبیین رخداد‌های اجتماعی به دنبال عوامل مستقل و خارج از ذهن باید بود.

دسته سوم: معرفت جدل گرایانه؛ شناختی مبتنی بر عوامل ذهنی و عینی است. به این معنی که هر دو لایه عینی و ذهنی از واقعیت وجود دارد (تنهایی، ۱۳۷۴، صص ۴۵-۴۶).

نظریه رشد شناخت فروید^۱: فروید معتقد بود که عوامل حاکم بر رفتار، نتیجه ناخودآگاه انسان است که در برخورد با اضطراب‌های دوران کودکی شکل می گیرد و عملکردهای دوران بزرگسالی اثر می گذارد بدین معنی که تجربیات نخستین مراحل رشد از خاطره انسان محو می شود ولی بنیان خودآگاهی را در دوره‌های بعدی زندگی پی می نهد (گیدنز، ۱۳۸۱، صص ۹۷-۹۸).

نظریه مراحل اجتماعی شدن بلومر^۲: بلومر جامعه شناس آمریکایی (۱۹۸۶-۱۹۰۰) که از نظریه پردازان مکتب کنش متقابل نمادین و جامعه شناس مکتب تفسیری است واسطه های اجتماعی شدن را عبارت از والدین، دیگران مهم، گروه همسالان، مدارس، مجامع عمومی، رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی می داند. از نظر بلومر انسان در مسیر معرفت پس از فراگیری هنجارهای اجتماعی، بطرف اجتماعی شدن پیش می رود. بلومر فرآیند اجتماعی را شامل دو مرحله می داند:

• یادگیری^۴

• اجتماعی شدن (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۴).

نظریه عوامل اجتماعی شدن گیدنز^۵: آنتونی گیدنز جامعه شناس معاصر انگلیسی نیز مانند بلومر مدلی از متغیرهای تاثیر گذار بر اجتماعی شدن ارائه داده است و معتقد است بعد از سازگاریهای نخستین با محیط و فراگیرهای اولیه (حدود دو سال اول زندگی) و پس از طی دوره جامعه پذیری، کودک کمی زودتر یا کمی دیرتر با برقراری کنش متقابل با اطرافیان به تدریج اجتماعی می شود. اجتماعی شدن از نظر گیدنز فرآیندی است که توسط آن کودک ناآگاه به تدریج به انسانی آگاه و ماهر در شیوه های رفتار در هر فرهنگ و محیط که قرار دارد، تبدیل می گردد. عوامل اجتماعی شدن از نظر گیدنز عبارتند از: خانواده یا والدین، روابط همسالان، مدارس، رسانه های همگانی، کار و محیط های کاری، گروههای محلی، انجمنهای داوطلبانه.

گیدنز نتیجه می گیرد: اجتماعی شدن در سراسر دوران زندگی ادامه می یابد و مهمتر اینکه اجتماعی شدن انسانها را در قالبهای از پیش ساخته قرار نمی دهد و در جریان اجتماعی شدن هر یک از ما یک حس هویت شخصی و توانایی اندیشه و عمل مستقیم دست پیدا می کنیم (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴).

نظریه آموزش عالی پارسونز^۶: پارسونز تفاوت مهمی در فرآیند جامعه پذیری آنها می بیند که به آموزش عالی دست می یابد و آنانکه دست نمی یابند، می بیند. او بر خرده فرهنگ جوانانی که به دانشگاه می روند تاکید دارد و می گوید: «برخلاف توقعات عام گرا، ویژه و عقلانی ای که آموزش عالی دارد، خرده فرهنگ نوجوانی به تجربیات اجتماعی و خاص گرای، نظیر هنجارهای نقش مادر توجه دارد. در این شرایط برخی از جوانان ویژگیهای محیطی خانوادگی را ادامه می دهند. منتها در ساختاری بدون سلسله مراتب که در آن امتیازات سن، تجربه و اقتدار از بین رفته است.

در نهایت پارسونز معتقد است «طولانی تر شدن دوره تحصیل برای بخش بزرگی از جمعیت جامعه صنعتی باعث شکل گرفتن مرحله پنجمی در فرآیند جامعه پذیری می گردد. این جوانان شخصیت افتراقی تری پیدا می کند و در نتیجه آن شخص به ادارک مقولات پیچیده تر و در عین حال منطقی تر از دنیا توفیق می یابد.» مرحله تحصیلات دانشگاهی و مواجهه با دنیای تخصصهای حرفه ای و شناخت های تخصصی برای جوانان جامعه پذیری عمیق تر و ماندگارتری از اشخاص با تحصیلات غیر دانشگاهی به ارمغان می آورد (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸).

قشر بندی در نظریات وبر^۷: وبر با جهت گیری در مقابل ماده گرایی و جبرگرایی اقتصادی مارکس در تبیین واقعیت اجتماعی، موضع ایستاتری اتخاذ می کند. برای وبر همچون مارکس مالکیت نقش عمده در توزیع امکانات عرضه شده به فرد یا طبقه ایفا می کند ولی وبر عوامل توزیع امکانات را به سه دسته تقسیم می کند. مالکیت^۸، قدرت^۹، و منزلت^{۱۰}.

منشأ مالکیت طبقه بندی اجتماعی و مبنای آن واقعیت اجتماعی است. منشأ قدرت تشکیل احزاب سیاسی و مبنای آن قدرت اجتماعی است و منشأ منزلت پیدایش قشرهای اجتماعی و مبنای آن حیثیت اجتماعی است. منزلت یا حیثیت مفهومی ذهنی است و گروه منزلت یک گروه خود آگاه است. منزلت حاصل پنداشتهای افراد یک گروه از خودشان و پنداشتهای دیگران در مورد آنهاست. منزلت یک موقعیت اجتماعی است حال آنکه طبقه موقعیتی اقتصادی است. نظریات وبر از آن جهت که ابعاد ذهنی تشخیص پایگاه افراد را در سلسله مراتب اجتماعی عنوان می کند

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی.....۳۵

پیشگام نظریات تلفیقی در قشریندی اجتماعی است. مهمترین شاخصی که وبر بر آن تاکید می‌کند پایگاه اجتماعی است. او می‌گوید «دارندگان پایگاههای اجتماعی مشابه در جامعه سهم برابری از حیث و احترام دارند و از درون احساس همبستگی می‌کنند.» (تامین، ۱۳۷۹، ص ۱۰). وبر معتقد است پایگاه توسط سبک زندگی افراد شکل می‌گیرد. از نظر وبر وجهه و شأن و منزلت معمولاً با شیوه خاص زندگی در همه افراد یک گروه نمودار می‌شود (ادیبی، ۱۳۵۴، ص ۱۲۶). تمایلات مردم در مادی‌ترین جنبه‌های زندگی مانند پوشاک، خوراک یا اثاث منزل از طریق ساختمان ذهنی آنها مشخص می‌گردد و این ساختار طبقه است که شکل ساختمان ذهنی را تعیین می‌کند (Turner:2003).

نظریه فمینیستی: نظریه فمینیستی می‌گوید انسانها واقعیت را از دیدگاه موقعیتهای ساختاری شان درک می‌کنند و بر وفق همین موقعیت در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند (ریترز، ۱۳۷۹، ص ۵۰۰). فمینیسم در مقابل دیدگاه‌های کنش متقابل که بر الگوئی از انسانهای هدفدار در کنش متقابل با فرض برابری موقعیت بقیه کنشگران با خود تاکید دارند، قرار دارد. فمینیسم معتقد است اولاً زنان تحت تأثیر الگوی جنسیتی در مراقبت پائین دستی از مردان قرار دارند، ثانیاً فرهنگ پدرسالارانه است که زنان را وامیدارد تا خود را کمتر و فرو پایه تر از مردان در نظر گیرند، ثالثاً زنان قدرت و آزادی عمل در ورود و خروج از همگروهیهای مثل همگروهیهای زنانه که بیشترین امکان ساخت معنی مشترک در آن فراهم می‌شود را ندارند (ریترز، ۱۳۷۹، ص ۵۰۷). بنابراین می‌توان اینطور اظهار نمود که زنان نیز با توجه به جنسیت خود در طی فرآیند اجتماعی شدن و تحت تأثیر ساختارهای کلان جامعه، طرح‌های ملکه ذهن شده‌ای دارند که به عامل جنسیت باز می‌گردد. احساس فرودستی نسبت به جنس در زنان باوری است که عیناً معادل حس حقارت در روانشناسی نیست. بلکه معلولی اجتماعی متأثر از فرهنگ و آموزش است و می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر بر افکار و ایده‌ها و آگاهی‌های زنان اثر داشته باشد.

فرضیات تحقیق

- بین تحصیلات دانشگاهی زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- میان ارتباط با گروه همسالان و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- میان استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- میان وضعیت فرهنگی - اجتماعی و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- بین رشته تحصیلی زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.

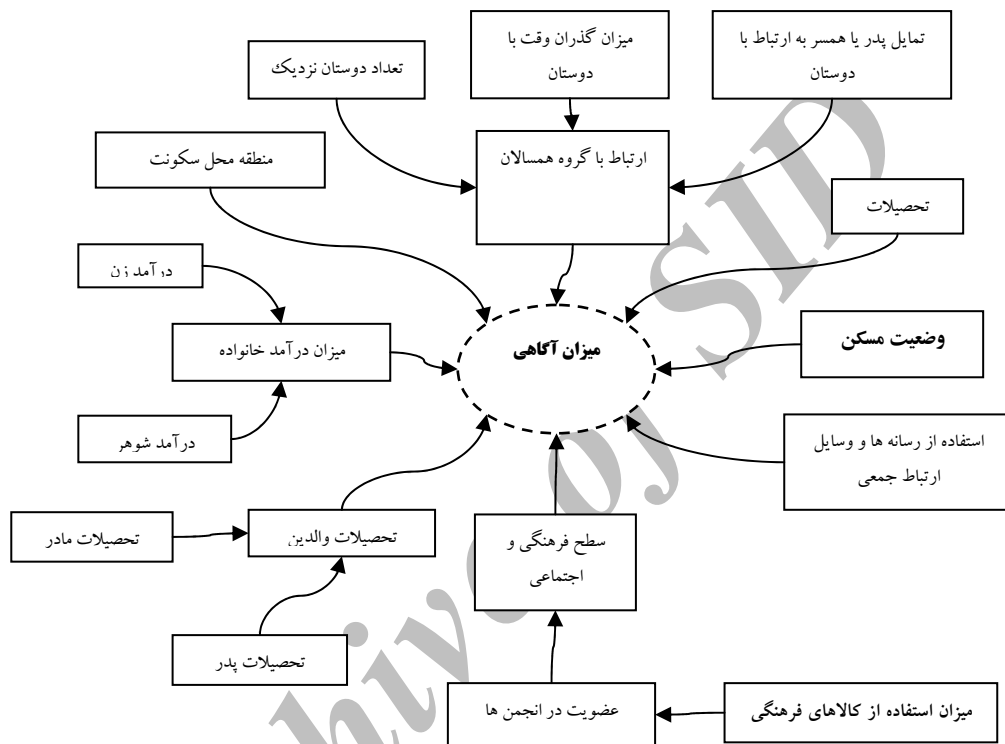
۳۶..... پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

- میان اشتغال زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- میان منطقه محل سکونت و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- میان وضعیت مسکن و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد خانواده و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- میان تحصیلات والدین و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
- باور زنان به فروستی خود (نسبت به مردان) بر فراگرد آگاهی حقوقی تأثیر منفی دارد.
- میان سن و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.

Archive of SID

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی.....۳۷

مدل تئوریک تحقیق: در این بخش به منظور تجسم هرچه بهتر عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر آگاهی زنان از مدل ترسیمی برای آن استفاده خواهیم کرد.



روش تحقیق

این مطالعه ضمن ایجاد زمینه های شناخت زنان در جامعه به تحلیل عوامل مؤثر بر آگاهی زنان نیز پرداخته است. روش تحقیق در پژوهش حاضر شامل روش اسنادی، پیمایشی، میدانی و آماری بوده است.

برای جمع آوری مطالب بخش اسنادی ضمن مراجعه به منابع مکتوب و فیش برداری از آنها سعی در گردآوری مطالب مورد نیاز شد. بررسی تئوری ها و نظرات اندیشمندان و قرآن و تدوین چارچوب نظری و جستجوی تحقیقات پیشین و کتب مرتبط با موضوع تحقیق حاصل این بخش است. در بخش دوم یعنی پیمایش، پرسشنامه اولیه تدوین گردید. پرسشنامه در مرحله پیش آزمون

در بین ۴۰ نفر از جامعه نمونه به صورت سهمیه ای تصادفی توزیع گردید، سپس با استفاده از آزمون تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ تغییرات نهایی در پرسشنامه صورت گرفت و از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای در بین ۴۰۰ نفر از جامعه نمونه که از روش کوکران برآورد گردیده بود توزیع شد. پرسشنامه از سؤالات باز و بسته در مقیاس اسمی، رتبه ای، فاصله ای و طیف لیکرت تشکیل شده بود. همچنین در این پژوهش از روش میدانی نیز بهره گرفته شده است. روش دیگر ابزار تجزیه و تحلیل، روش آماری بوده که در دو بخش روش توصیفی و روش استنباطی صورت گرفته است. در روش توصیفی فراوانی داده های پاسخ دهندگان با توجه به جداول و نمودارهای ستونی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در روش استنباطی، با توجه به فرضیه ها و پرسش ها به بررسی متغیرها پرداخته شده است. پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و توسط نرم افزار SPSS انجام شد. برای تحلیل داده ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار تحلیلی از تکنیکهای مختلف آماری مانند جداول دو بعدی، نمودارها، بیان درصدها، میانگین، میانه، مد، آزمونهای کندال B و کندال C، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده گردیده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی تحقیق

درآمد: عبارت است از کلیه مبالغ نقدی دریافتی طی یک ماه به دلیل اهمیت درآمد به عنوان عامل اقتصادی مؤثر بر آگاهی زنان، متغیر مستقل درآمد پاسخگو و همسر پاسخگو (در صورت تأهل) عیناً به هزار تومان در ماه پرسیده شده است.

تحصیلات: عبارت است از بالاترین مدرک تحصیلی اخذ شده که نشان دهنده سپری کردن دوره های علمی رسمی می باشد، اعم از اینکه در داخل کشور اخذ شده باشد یا خارج از کشور و اعم از اینکه مدرک تحصیلی از مؤسسات آموزش دولتی باشد یا غیر انتفاعی. سالهای تحصیل رسمی پاسخگو، پدر، مادر و همسر (در صورت تأهل) نیز به دلیل اهمیت تحصیلات به عنوان عامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آگاهی زنان از طریق سؤالی رتبه ای پنج حالت پرسیده شده است.

اشتغال: عبارت است از کار فکری یا بدنی که به منظور کسب درآمد صورت می گیرد و شامل کلیه مشاغل آزاد واداری می باشد که هرکدام از این مشاغل در جامعه ایران دارای پرستیژ اجتماعی متفاوتی می باشند. متغیر مستقل شغل پاسخگو و همسر پاسخگو به عنوان عامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر آگاهی زنان از طریق سؤالی باز پرسیده شده است.

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی.....۳۹

رشته تحصیلی: عبارتست از رشته ای که آخرین مدرک تحصیلی اخذ شده توسط فرد در آن زمینه باشد و شامل رشته های فنی و مهندسی، علوم انسانی، علوم پزشکی، فنی و حرفه ای و... می باشد متغیر مستقل رشته تحصیلی پاسخگو و همسر پاسخگو از طریق سؤالیهای بازپرسیده شده است.

گروه همسالان: عبارتست از گروههایی از افراد نسبتاً همسن که بایکدیگر رابطه دوستی برقرار می کنند و در ارتباط نسبتاً نزدیک و مؤثر با یکدیگر قرار دارند. اثر این متغیر از طریق تعداد دوستان نزدیک، میزان گذران وقت با دوستان نزدیک، میزان علاقه پدر یا همسر به معاشرت با دوستان، میزان کسب اطلاعات حقوقی، اجتماعی و سیاسی از طریق گروه همسالان و از طریق طیف ۵ قسمتی لیکرت، از خیلی زیاد تا خیلی کم سنجیده شده است.

رسانه ها: عبارت است از هرگونه ابزاری که پیامی را به مخاطب منتقل کند و شامل رسانه های دیداری، شنیداری، نوشتاری و... می باشد، مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، پوستر، بنر و... اثر این متغیر از طریق طیف ۵ قسمتی لیکرت، از خیلی زیاد تا خیلی کم سنجیده شده است.

احساس فرودستی: احساسی است که به زن در مواجهه با مردان دست می دهد و خودشان را به عنوان جنس پایین تر از مردان می دانند. تفکرهای قلبی چون ناقص العقل بودن زنان، عدم صلاحیت در مشورت، ناتوانی در احراز مشاغل و مناصب بالا و... ریشه در حس فرودستی زنان دارد. میزان حس فرودستی در زنان نمونه پژوهش توسط ۸ گویه سنجیده شده است.

وضعیت فرهنگی - اجتماعی: برای سنجش این متغیر از معرف هایی مانند میزان مصرف کالاهای فرهنگی، عضویت در انجمن ها و سازمانهای غیر رسمی، تعداد دوستان نزدیک، میزان تمایل پدر یا شوهر به ارتباط با گروه همسالان و مباحث مطرح شده در گفتگوهای دوستانه استفاده شده است.

منطقه محل سکونت: یکی از مناطق هشتگانه شهرداری اهواز (سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵) منطقه محل سکونت که در سه مقوله بالا، متوسط و پایین اندازه گیری شده است، به وسیله شاخص منطقه جغرافیایی، محل سکونت اندازه گیری شده است.

آگاهی حقوقی زنان: فرآیند سازماندهی، تعبیر، تفسیر و ارتباط اطلاعاتی که باحواس انجام شود (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۱۰). برای سنجش آگاهی حقوقی زنان ۱۵ سؤال در پرسشنامه از طریق طیف لیکرت به این مبحث اختصاص داده شد که دارای ۵ گزینه جواب از خیلی زیاد تا خیلی کم می باشد و به سنجش میزان آگاهی زنان در زمینه عوامل متعددی چون سنجش آگاهی زنان در مورد مسائل

حقوقی در دوران نامزدی و خواستگاری، سنجش آگاهی زنان در مورد مسائل حقوقی قبل از ازدواج، سنجش آگاهی زنان در مورد مسائل حقوقی بعد از ازدواج، سنجش آگاهی زنان از قوانین مربوط به حضانت فرزندان و حقوق کودکان، سنجش آگاهی حقوقی زنان در مورد مسائلی چون ارث، دیه و نحوه شهادت دادن در دادگاه پرداخته است.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

از بین ۴۰۰ نفر پاسخگو تعداد ۳۳۸ نفر (۸۴/۵٪) متولد شهر و ۶۲ نفر (۱۵/۵٪) متولد روستا می باشند. میانگین سنی زنان جامعه نمونه ۲۸ سال می باشد که از جوان بودن جامعه مورد مطالعه خبر می دهد. جامعه آماری را از نظر میزان تحصیلات به چهار گروه زیر دیپلم با ۲۵.۳٪، دیپلم با ۲۹.۳٪، فوق دیپلم با ۱۱.۵٪ و لیسانس و بالاتر با ۳۴٪ طبقه بندی نموده ایم. مد جامعه با ۳۴٪ به تحصیلات لیسانس و بالاتر تعلق دارد که نسبتاً بالا بوده و انتظار بالا بودن آگاهی و اطلاعات حقوقی را به دنبال دارد. از نظر وضعیت اشتغال، جامعه نمونه را به دو دسته شاغل و خانه دار تقسیم نموده ایم. ۱۴۱ نفر (۳۵/۳٪) از زنان جامعه نمونه شاغل و ۲۵۹ نفر (۶۴/۸٪) را افراد غیر شاغل تشکیل می دهند. از ۲۵۹ نفر زن غیر شاغل هم درصد بالایی خانه دار هستند. اگرچه خانه داری از دیدگاههای فمینیستی بعنوان شغل مولد (تولیدات اجتماعی) مورد بحث است ولی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان، با توجه به اینکه در مقایسه با مشاغل دیگر هم غیر درآمدزا بوده و هم موقعیت اجتماعی برای فرد فراهم نمی کند، نمی تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان شاغل درآمدشان در حد متوسط بوده است (۵۹/۵۷٪). بیش از نیمی از زنان جامعه نمونه (۵۹/۵٪) متأهل بوده اند و (۲/۷٪) نیز حداقل یک بار ازدواج کرده اند، به این ترتیب حدود دو سوم زنان تجربه ازدواج داشته اند. میزان تحصیلات پدر پاسخگو در پنج سطح بی سواد، کم سواد، دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر مورد ارزیابی قرار گرفته است. از کل پاسخگویان ۲۸/۵٪ پدرانشان بی سواد، ۴۵٪ کم سواد، ۱۹/۸٪ دیپلم، ۲/۵٪ فوق دیپلم و ۴/۴٪ لیسانس و بالاتر بوده اند. تحصیلات مادران از پدران هم کمتر است بطوریکه ۸۰٪ پاسخگویان مادرانشان بیسواد و کم سواد بودند.

آمار استنباطی

داوری فرضیه اول: بین تحصیلات زنان و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.

با توجه به محاسبه ضریب تاو C کندانال که برابر با ۰.۲۴۱- و معناداری ۰.۰۰۰ می‌توان گفت با ۹۹٪ اطمینان بین متغیر مستقل تحصیلات زنان و متغیر وابسته آگاهی رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و شدت رابطه متوسط است بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. با توجه به ضریب C کندانال با افزایش سطح تحصیلات، سطح آگاهی نیز افزایش می‌یابد و در مجموع برای افزایش آگاهی باید تحصیلات را افزایش داد. شاید بالا رفتن میزان آگاهی با بالا رفتن مدارج تحصیلی حکایت از تئوری مدارج عالی پارسنز باشد. از طرف دیگر، هرچه میزان آگاهی و دانسته‌های افراد بالاتر می‌رود و هرچه افراد بیشتر یاد می‌گیرند، به کارکردهای یادگیری بیشتر واقف شده سعی می‌کنند که به یادگیری خود ابعاد وسیعتری بدهند، بنابراین با رشد صعودی مدارج تحصیلی و یادگیری، این یادگیری در سطح هم‌گسترش پیدا کرده و میدانهای جدیدی را در بر می‌گیرد که یکی از آنها آگاهی از قوانین است.

داوری فرضیه دوم: بین ارتباط با گروه همسالان و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.

با توجه به محاسبه ضریب تاو B کندانال که برابر با ۰/۳۸۱ و معناداری ۰.۰۰۰ می‌توان گفت با ۹۹٪ اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و شدت رابطه زیاد است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد و این بدین معنی است که هر چه ارتباط بین گروه همسالان بیشتر باشد سطح آگاهی نیز ارتقاء می‌یابد. ارتباط با گروه همسالان به هر شکل میزان آگاهی زنان از حقوق را افزایش می‌دهد. بالا رفتن میزان آگاهی با بالا رفتن ارتباط با گروه همسالان نشان از همسو بودن نتیجه این پژوهش با نظریه مراحل اجتماعی شدن بلومر و نظریه اثر عوامل اجتماعی شدن گیدنز بر آگاهی است.

داوری فرضیه سوم: بین میزان استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.

با توجه به محاسبه ضریب تاو B کندانال که برابر با ۰.۲۹۸ و معناداری ۰.۰۰۰ می‌توان گفت با ۹۹٪ اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و شدت رابطه متوسط است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد و این بدین معنی است که هر چه میزان استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد، سطح آگاهی نیز ارتقاء می‌یابد. گیدنز و بلومر نیز یکی از عوامل اجتماعی شدن را که بر روی آگاهی اثر دارد، رسانه عنوان می‌کنند. گیدنز معتقد

است در تعیین دقیق انواع وسایل ارتباط جمعی تردیدها و تفاوت نظرهای بسیاری است، اما نمی توان تردید کرد که این رسانه ها در نگرشها و بینش های مردم عمیقاً اثرگذار هستند. وسایل ارتباط جمعی به جهت دارا بودن برخی خصوصیات نظیر توان مخاطب قرار دادن اکثریت افراد از سنین و طبقات مختلف و در عین حال انتقال پیامدها و ایجاد معانی مشترک، نشر اطلاعات گوناگون و آگاهی ها و در اختیار بودن و سهل الوصول بودن فردی و گروهی، بیشترین نقش را در بسط آگاهی فردی و شناخت انسان معاصر داشته است.

نتیجه پژوهش ما نیز نظر گیدنز و بلومر را تأیید می کند و نشان می دهد که هر قدر میزان استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد، آگاهی زنان افزایش می یابد.

داوری فرضیه چهارم: بین وضعیت فرهنگی و اجتماعی زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.
با توجه به محاسبه ضریب تاو B کندال که برابر با ۰.۴۰۴ و معناداری ۰.۰۰۰۰ می توان گفت با ۹۹٪ اطمینان بین متغیر مستقل سطح فرهنگی - اجتماعی افراد و متغیر وابسته آگاهی رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و شدت رابطه زیاد است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که افراد حائز وضعیت اجتماعی - فرهنگی بالا از آگاهی بالاتری نسبت به حقوق خود برخوردارند.

داوری فرضیه پنجم: بین منطقه محل سکونت و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
با توجه به ضریب تاو B کندال بدست آمده که معادل ۰.۱۵۶ و معناداری ۰.۰۰۰۰ می باشد می توان گفت که با ۹۹٪ اطمینان بین متغیر مستقل منطقه محل سکونت و متغیر وابسته آگاهی رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و شدت رابطه متوسط است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که افراد ساکن مناطق بالا در مقایسه با افراد ساکن مناطق پائین از آگاهی بالاتری نسبت به حقوقشان برخوردارند. شاید بالا رفتن میزان آگاهی به تبع بالا بودن منطقه محل سکونت مؤید روش بررسی قشر بندی اجتماعی وارنر باشد. یکی از ویژگیهای منزلتی در قشر بندی وارنر، منطقه محل سکونت است که بر روی آگاهی تأثیر مستقیم دارد. گیدنز نیز از تأثیر اجتماعات محلی و گروههای همسایگی به عنوان عامل تأثیرگذار بر اجتماعی شدن افراد و در نتیجه آگاهی یاد می کند.

داوری فرضیه ششم: بین میزان درآمد خانواده و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
با توجه به ضریب تاو B کندال بدست آمده که معادل ۰.۱۳۵- و معناداری ۰.۰۱۶ می توان گفت که بین دو متغیر سطح درآمد خانواده و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد و جهت

بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی.....۴۳

رابطه مثبت و شدت رابطه متوسط است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که زنان با درآمد خانوادگی بالاتر از آگاهی بالاتری نسبت به حقوقشان برخوردارند یا با افزایش سطح درآمد خانواده آگاهی افراد از حقوقشان نیز افزایش می یابد. در نظریات مارکس همیشه اقتصاد به عنوان یک زیربنا تعیین کننده مناسبات فرهنگی و هر نوع آگاهی است. اما همان طور که دیدیم پژوهش حاضر نشان می دهد که عامل اقتصادی یک عامل تعیین کننده در میزان آگاهی است اما عامل یگانه نیست. و بر نیز در مفهوم فرصتهای زندگی که مأخوذ از نظریات قشر بندی اوست به این نکته اشاره می کند که عوامل اقتصادی و درآمد بر آگاهی تأثیر گذار است که این اثر را شاید بتوان اینگونه توجیه کرد که انسانها وقتی دغدغه اقتصادی برای نیازهای اولیه زندگی را ندارند، آن وقت فرصت فکر کردن برای مسائل دیگر و برتر از معاش را پیدا می کنند

داوری فرضیه هفتم: بین تحصیلات والدین و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.

با توجه به ضریب تاو B کندال بدست آمده که معادل ۰.۱۰۱- و معناداری ۰.۰۱۹ می توان گفت که بین دو متغیر سطح تحصیلات والدین زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و شدت رابطه ضعیف است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که زنانی که والدینشان از تحصیلات بالاتری برخوردارند نسبت به حقوق خود آگاهی بیشتری دارند. آموزش به هر شکل میزان آگاهی زنان از حقوق را افزایش می دهد حال اگر این آموزش در ارتباط با والدین باشد نیز تأثیر مستقیم و مؤثر بر زنان خواهد داشت. نتایج پژوهش نیز ثابت می کند که والدین با تحصیلات بالاتر، فرزندان با آگاهی بالاتری دارند.

داوری فرضیه هشتم: باور زنان به فرودستی خود (نسبت به مردان) بر فراگرد آگاهی زنان از حقوقشان تأثیر منفی دارد.

با توجه به ضریب تاو B کندال بدست آمده که معادل ۰.۱۶۱- و معناداری ۰.۰۰۰ می توان گفت که با اطمینان ۹۹٪ بین این دو متغیر رابطه وجود دارد و جهت رابطه منفی و شدت رابطه متوسط است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که با افزایش سطح آگاهی مخالفت با فرودستی بیشتر می شود احساس فرودستی در زنان جامعه نمونه میانگینی معادل ۲.۰۳ داشته است که در حد متوسط رو به بالا بوده است. آگاهی در تمام سطوح فرودستی یکسان نیست و زنان با احساس فرودستی زیاد و خیلی زیاد آگاهی در حد کم داشتند و برعکس زنان با احساس فرودستی کم و خیلی کم آگاهی در حد زیاد داشتند.

داوری فرضیه نهم: بین رشته تحصیلی زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.
 با توجه به کی دو بدست آمد که برابر ۱۵.۶۲۷ می باشد و درجه آزادی ۸ در سطح ۹۵٪ بین دو متغیر فوق رابطه معنی داری وجود دارد و بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد.

داوری فرضیه دهم: بین وضعیت اشتغال زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.
 با توجه به کی دو بدست آمده که معادل ۸.۶۳ و درجه آزادی ۲، می توان گفت که در سطح ۹۵٪ بین دو متغیر فوق رابطه وجود دارد و بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که افراد شاغل در مقایسه با افراد غیرشاغل از آگاهی بالاتری برخوردارند. همانطور که مشاهده می شود نتیجه پژوهش حاضر در راستای نظریات فمینیستی قرار دارد. سیمون دوپوار در این زمینه می گوید: زنان با داشتن استقلال اقتصادی و سهم بودن در بخش تولید می توانند از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار باشند. او معتقد است ستم اجتماعی که زن تحمل می کند، نتیجه ستم اقتصادی است که بر او روا داشته می شود. برابری فقط زمانی استقرار می یابد که دو جنس از حقوق قانونی برابر بهره مند باشند، اما این رهایی بازگشت کلیه افراد جنس مؤنث به صنعت همگانی را ایجاب می کند (دوپوار، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱).

داوری فرضیه یازدهم: بین وضعیت مسکن زنان و آگاهی آنها از حقوقشان رابطه وجود دارد.
 با توجه به کی دو بدست آمده که معادل ۱۵.۹۱ و درجه آزادی ۲، می توان گفت که در سطح ۹۹٪ بین دو متغیر فوق رابطه وجود دارد و بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می گردد و این بدین معنی است که زنان ساکن در مسکن ملکی در مقایسه با زنان ساکن در مسکن غیر ملکی از آگاهی بالاتری برخوردارند. وضعیت مسکن تا حدی تعیین کننده موقعیت اقتصادی افراد است و می توانیم به نظریات مارکس و وبر که مؤید این مطلب می باشند، اشاره نماییم.

داوری فرضیه دوازدهم: بین سن و آگاهی زنان از حقوقشان رابطه وجود دارد.
 با توجه به ضریب تاو C کندال که معادل ۰.۰۰۹ بدست آمده و معناداری ۰.۸۴۷، می توان گفت که بین دو متغیر فوق رابطه وجود ندارد و بنابراین فرض H_0 تأیید و فرض H_1 رد می گردد. یعنی هیچگونه رابطه معناداری بین متغیر مستقل سن و متغیر وابسته آگاهی وجود ندارد. گرچه ممکن است سن بصورت غیر مستقیم بر میزان آگاهی زنان تاثیر داشته باشد اما به صورت مستقیم رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد.

نتایج و تحلیل‌های مربوط به رگرسیون

در این قسمت به تحلیل رگرسیون چندگانه از داده‌ها و روابط بین متغیرها پرداخته شده است، هدف از این تحلیل، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین ابعاد آگاهی است. به عبارت دیگر رگرسیون چند متغیری (Multiple regression) به تبیین و پیش بینی واریانس متغیر وابسته آگاهی حقوقی زنان کمک می‌کند و این عمل را از طریق برآورد میزان و نقش و مشارکت متغیرهای مستقل در ایجاد واریانس انجام می‌دهد. برای اینکه به میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته پی برده و در مجموع بدانیم چند درصد از واریانس آگاهی که متغیر اصلی است توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شوند برنامه رگرسیون را به روش اینتر برای متغیرهای اصلی انجام داده و جداول شماره ۱ و ۲ و ۳ نتایج خروجی آن می‌باشد.

جدول شماره (۱) آمارهای تحلیل رگرسیون چند متغیره میزان آگاهی

۰.۷۰۹	ضریب همبستگی چندگانه (Multiple R)
۰.۵۰۲	ضریب تبیین (R square)
۰.۳۶۴	ضریب تبیین تصحیح شده (Adjusted R square)
۸.۷۸	اشتباه معیار (Standard Error)

جدول شماره (۲) تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره میزان آگاهی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت f	سطح معنی داری
میان گروهی	۵۰۵۷.۷۵۰	۱۸	۲۸۰.۹۸۶	۳.۶۴۵	۰.۰۰۰
درون گروهی	۵۰۱۱.۲۳۸	۶۵	۷۷.۰۹۶		
کل	۱۰۰۶۸.۹۸۸	۸۳	---		

در این مدل رگرسیون کلیه عوامل عمده مؤثر بر آگاهی به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شده‌اند. در این مدل تمامی متغیرها که در سطوح فاصله‌ای، رتبه‌ای و اسمی دو حالت اندازه‌گیری شده‌اند با استفاده از روش اینتر برای حصول به مدل نهایی رگرسیون وارد معادله شده‌اند. در مجموع ۱۷ متغیر مستقل عمده وارد معادله رگرسیون شده‌اند که ۵۰٪ از کل تغییرات میزان آگاهی را نشان می‌دهند.

۴۶..... پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

همانطور که در جدول مربوطه مشاهده می شود میزان آگاهی بیشتر از هر متغیر دیگری از وضعیت اجتماعی- فرهنگی متأثر است. جدول شماره ۳ آمارهای مربوط به متغیرهای مستقل مدل رگرسیون آگاهی را نشان می دهد.

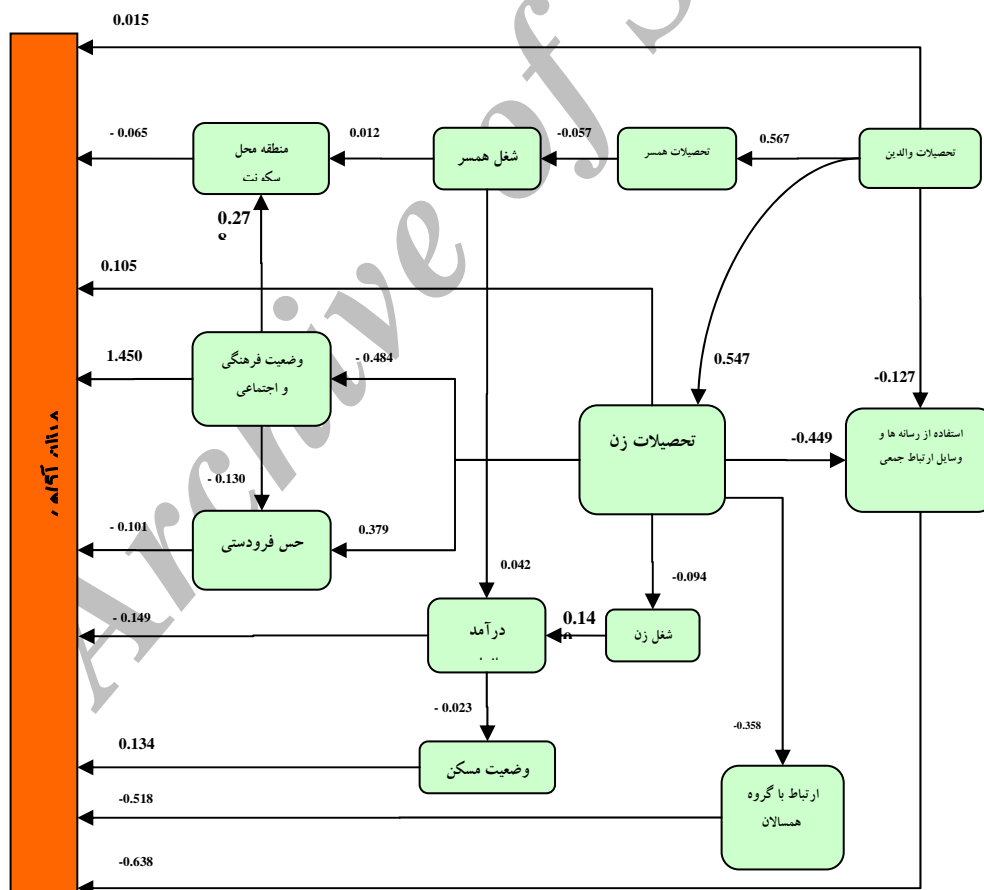
جدول شماره (۳) آمارهای مربوط به متغیرهای مستقل مدل رگرسیون آگاهی

sig	t	Beta	SEB	B	نام متغیرها
0.002	3.257	1.623	1.225	3.990	وضعیت اجتماعی- فرهنگی
0/090	1.721	0.161	2.328	4.006	وضعیت مسکن
0.355	0.932	0.156	0.003	0.003	درآمد خانواده
0.514	0.656	0.155	3.587	2.355	تحصیلات مادر
0.220	1.238	0.127	1.328	1.664	رشته تحصیلی
0.675	0.421	0.050	0.536	0.226	فروردستی خصوصی
0.797	0.259	0.040	3.833	0.992	میزان درآمد همسر
0.975	-0.032	-0.003	1.512	-0.048	منطقه محل سکونت
0.930	-0.088	-0.047	3.028	-0.266	میزان تحصیلات والدین
0.465	-0.734	-0.098	3.547	-2.605	وضعیت اشتغال
0.323	-0.995	-0.115	3.506	-3.489	تحصیلات
0.750	-0.320	-0.124	3.663	-1.172	تحصیلات پدر
0.191	-1.321	-0.159	0.706	-0.933	فروردستی عمومی
0.128	-1.543	-0.322	2.933	-4.526	تحصیلات همسر
0.043	-2.062	-0.392	0.064	-0.132	رشته تحصیلی همسر
0.100	-1.668	-0.477	1.496	-2.495	استفاده از رسانه ها و ...
0.010	-2.671	-0.953	1.420	-3.793	ارتباط با گروه همسالان

تحلیل مسیر

به منظور بررسی اثرات شاخصهای مورد مطالعه در این بررسی بر روی میزان آگاهی های حقوقی زنان، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج بدست آمده در قالب نمودار شماره ۲ نشان دهنده اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مطرح شده بر میزان آگاهی زنان می باشد. همانگونه که در دیاگرام تحلیل مسیر مشخص شده است بیشترین تأثیر بر میزان آگاهی افراد به صورت مستقیم ابتدا ناشی از متغیر وضعیت اجتماعی-فرهنگی با ۱.۴۵۰ و سپس شاخص استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی با ۰.۶۳۸ بوده است. شغل زنان هم به صورت غیرمستقیم بر روی درآمد خانواده اثر داشته است

شکل شماره (۱) تحلیل مسیر



نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف اصلی بررسی میزان آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق قانونی و اجتماعی خود و با تأکید بر عوامل مؤثر در آن به روش پیمایشی انجام گردید. توزیع آگاهی در جامعه نمونه توزیع نرمال بوده است. ۱۳ متغیر مجموعاً متغیر آگاهی را ساخته اند، که حداقل نمره این ۱۳ متغیر ۱ و حداکثر ۵ بوده است، که وقتی جمع می شوند حداقل نمره برای سطح آگاهی ۱۳ و حداکثر ۶۵ می شود. در جامعه مورد بررسی ما حداقل آگاهی بدست آمده ۱۳ و حداکثر ۶۴ بوده است. طبق محاسبات انجام شده میانگین سطح آگاهی ۴۲/۰۱، میانه ۴۲ و نما ۴۰ می باشد. بطور کلی افراد جامعه مورد بررسی آگاهی شان در حد متوسط بوده است.

در قسمت آزمون فرضیه ها از تعداد ۱۲ فرضیه که رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را می سنجد تعداد ۱۱ فرضیه اثبات شده است متغیرهای تحصیلات زنان، ارتباط با گروه همسالان، استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اجتماعی-فرهنگی، رشته تحصیلی، اشتغال، منطقه محل سکونت، وضعیت مسکن، درآمد خانواده، تحصیلات والدین و حس فرودستی با متغیر میزان آگاهی زنان دارای رابطه معنادار میباشند و مشاهده می گردد که بین متغیر مستقل سن و متغیر وابسته میزان آگاهی زنان رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین با استفاده از تحلیل رگرسیون به این نتیجه رسیدیم که از مجموع ۱۷ متغیر مستقل عمده که وارد معادله رگرسیون شده اند، ۵۰٪ از کل تغییرات میزان آگاهی تبیین می شود. با استفاده از روش تحلیل مسیر دریافتیم که بیشترین تأثیر بر میزان آگاهی افراد به صورت مستقیم ابتدا ناشی از متغیر وضعیت اجتماعی-فرهنگی و سپس شاخص استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی بوده است. بدین ترتیب اطلاعات مأخوذ از این تحقیق ضمن حمایت از مدل نظری تحقیق مؤید آن است که متغیر میزان آگاهی زنان متغیر پیچیده ای است که متأثر از عوامل متعددی است و در شبکه ای از روابط علی بسر می برد.

پی نوشت ها

1-Schutz	6-Parsons
2-Frued	7-Weber
3-Blumer	8-Property
4-Learning	9-Power
5-Giddens	10-Statement

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی.....۴۹

منابع

- ادیبی، حسین (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی*. تهران: نشر دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، برگر، پیتر و لاکمن، توماس (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت، رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*. ترجمه فریبرز معجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
- تأمین، ملوین (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا،
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. گناباد: نشر مرندید، مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). *سالنامه آماری*.
- روشه، گی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر تیان، ریتزر، جورج (۱۳۷۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دنیای معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی،
- عبدی، عباس (۱۳۷۱). *مباحثی در جامعه‌شناسی حقوقی در ایران*. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، *قرآن کریم* (۱۳۶۹). با ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: اسوه،
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۵). *مقدمه علم حقوق*. تهران: دانشگاه تهران،
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه **عبدالعلی لهسلی زاده**. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز،
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران*. تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- Turner, J.H (2003). *The Structure Of Sociological Theory (7th ed)*. University Of California, Riverside, Usa: Wads Worth, A Division Of Thomson Learning INC.

Archive

Abstract:

In this study to evaluate factors affecting women's awareness, After reading comments Quran, sociologists and lawyers theories concerning consciousness and the factors affecting the navigation method was used. The study of 653,484 female residents between the city of Ahwaz 400 through random cluster sampling was selected And awareness and the factors affecting it through the questionnaire is the main tool navigation method, were evaluated

Results from this study shows that between independent variables (Female education, parent education, family income, relationship with peer groups, using the media, female employment, social status - cultural, educational field, regional residence, housing status, sense of inferiority) and awareness is a significant relationship

Keywords: awareness, rights, women, Social, law

Archive

-
- ¹ Schutz
 - ² Frued
 - ³ Blumer
 - ⁴ Learning
 - ⁵ Giddens
 - ⁶ Parsons
 - ⁷ Weber
 - ⁸ Property
 - ⁹ Power
 - ¹⁰ Statement

Archive of SID